

متن پرسش

چقدر زیباست که حق را ماورای ابژه و سوژه بینیم که همه عوالم را پر کرده و فقط اوست که در صحنه است، هم ابژه و هم سوژه، نه ابژه و نه سوژه! چه حق زیباییست! اما طلب حضور من اینجاست که آیا وحی محمدی من عرف نفسه فقد عرف ربه نظرش به سوژه‌ای که ابژه است شدیدتر نیست تا ابژه‌ای که سوژه است؟ گویا نفس موضوعیت دارد نفسی که بسیط الحقیقه کل الاشیاء است. یعنی هم ابژه و هم سوژه ای که از سوژه‌ی ابژه نما حرارت وجود می‌گیرد. بیرون ز تو نیست هرچه در عالم هست انگار آغاز پایانی ماست و این دلنشینی و حکایت حب من است به خودم! به خودی که همه حضرات را پر کرده است، کون جامع!

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: امری که به میان آورده‌اید توجه به نکات خوبی است البته باز هم به بنیادی‌ترین بنیاد نظر کرد که ان شاءالله مباحث «راز طلوع بشر جدید و نسبت آن با اصالت وجود در حکمت متعالیه» بتواند پیش آورد. موفق باشید